

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.2.6.8

Analysis of the Impact of Lifestyle Changes on the Villager Housing Pattern (Case Study: Kandovan Village)

Soheyla Bakhtar^{1*} & Elnaz Abizade²

1. Instructor Department of Architecture Roshdiyeh Higher Education Institute, Tabriz, Iran

2. Assistant Professor, Roshdiyeh Higher Education Institute, Tabriz, Iran

* Corresponding author: Email: soheyla.bakhtar@tabrizu.ac.ir

Receive Date: 13 June 2020

Accept Date: 21 December 2020

ABSTRACT

Introduction: The expansion and penetration of media to rural areas and new technologies. Near many economic factors, social and cultural, It has affected the lifestyle in rural areas And these changes physical space of rural areas, Especially rural housing has undergone transformations.

Research aim: The present research, It has been done with the aim of investigating lifestyle changes on rural housing patterns.

Methodology: This research In terms of functional purpose and it is based on the descriptive-analytical nature. The statistical population is 151 heads of rural households, which was conducted as a whole. The direction subject analysis 7 indicators were used in the format of 74 indicators. The face validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts and experts in this field. To determine the reliability, 30 questionnaires were distributed in the region as a pre-test, and the reliability coefficient for the entire questionnaire was 0.95.

Studied Areas: The geographical area of this research Kandavan village is in Oskoo county, East Azarbaijan province.

Studied Areas: The findings showed the correlation between the economic effects of lifestyle and housing pattern is 0.587. Social effects and housing pattern 0.562 and cultural and lifestyle effects with a correlation coefficient of 0.883. The results of the t test showed that the dimensions of the housing pattern in the studied villages are in different limits. In such a way that the two components of satisfaction with housing and the architectural plan of the village are not at a favorable level with a negative t value and an average of less than 3. The results of the findings based on the regression coefficient indicate that the lifestyle variable explains 0.932 of the total variance of the housing pattern

Conclusion: changes in rural lifestyle, It affects the housing pattern And according to these changes, Rural housing undergoes noticeable changes in internal and external dimensions; In such a way that in the new constructions that have taken place in the village, urban and non-native materials are used in the body of the houses. This shows that in today's life, under any circumstances, consciously or unconsciously, the lifestyle changes due to the introduction of technology and the use of media.

KEYWORDS: Life Style, the Physical Changes of the Village, Housing Pattern, East Azerbaijan Province, Kandavan Village

تحلیل اثرگذاری تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستای کندوان)

سهیلا باختر^{۱*} و الناز ابی‌زاده^۲

۱. مدرس گروه معماری، موسسه آموزش عالی رشديه، تبریز، ایران
۲. استادیار گروه معماری، موسسه آموزش عالی رشديه، تبریز، ایران
* نویسنده مسئول: Email: soheyla.bakhtar@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۴ خرداد ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۱ دی ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: گسترش و نفوذ رسانه‌ها به مناطق روستایی و تکنولوژی‌های نوین، در کنار بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی در مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار داده است و این تغییرات، فضای کالبدی مناطق روستایی، به ویژه مسکن روستایی را دچار تحولات نموده است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن روستایی انجام شده است.

روش‌شناسی تحقیق: این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری ۱۵۱ سرپرست خانوار روستایی است که به صورت تمام شماری انجام شد. جهت تحلیل موضوع، از ۷ شاخص در قالب ۷۴ شاخص بهره گرفته شد. رویه‌ی صوری پرسشنامه توسط پانل متخصصان و صاحب‌نظران این حیطه مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون در منطقه توزیع گردید و ضریب پایایی برای کل پرسشنامه ۰/۹۵ بدست آمد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، روستای کندوان در شهرستان اسکو، استان آذربایجان شرقی می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ضریب همبستگی بین اثرات اقتصادی سبک زندگی و الگوی مسکن ۰/۵۸۷، اثرات اجتماعی و الگوی مسکن ۰/۵۶۲ و اثرات فرهنگی و سبک زندگی با ضریب همبستگی ۰/۸۸۳ بدست آمد. نتایج آزمون t نشان داد ابعاد الگوی مسکن در روستاهای مورد مطالعه در حدود متفاوتی از هم قرار دارند. به گونه‌ای که دو مؤلفه رضایت از مسکن و پلان معماری روستا با مقدار t منفی و میانگین کمتر از عدد ۳ در سطح مطلوبی قرار ندارند. نتایج یافته‌ها بر اساس ضریب رگرسیون بیانگر این است که متغیر سبک زندگی، ۰/۹۳۲ از کل واریانس الگوی مسکن را تبیین می‌کند.

نتایج: تغییرات در سبک زندگی روستایی، الگویی مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و متناسب با این تغییرات مسکن روستایی در ابعاد داخلی و بیرونی دست‌خوش تغییرات محسوس می‌گردد؛ به گونه‌ای که در ساخت و سازه‌های جدید که در روستا صورت گرفته است از مصالح شهری و غیر بومی در کالبد مساکن استفاده می‌گردد. این امر گویای این است که در زندگی امروزه تحت هر شرایطی به صورت آگاهانه و ناآگاهانه، سبک زندگی در اثر ورود تکنولوژی و استفاده از رسانه‌ها دچار تغییر می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، تحولات کالبدی روستا، الگوی مسکن، استان آذربایجان شرقی، روستای کندوان

مقدمه

تأمین مسکن مناسب در روستاها، استحکام و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها دارای اهمیت زیادی است (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶) زیرا مسکن روستایی علاوه بر نقش سکونت، به عنوان بخشی از فضای اشتغال، روابط اجتماعی و تولید، در سال‌های اخیر از تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی برخوردار شده است و تحت تأثیر مسکن شهری قرار گرفته است و شکل خانه‌های روستایی علاوه بر تغییر ظاهری، با مواد و مصالح مدرن ساخته می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷) و اثرات آن بر الگوی مسکن منجر به فروپاشی الگوی سنتی خواهد شد که منطبق با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲). بنابراین بی‌توجهی نسبت به مسکن روستایی و بافت روستا ضمن نادیده گرفتن شرایط آسایش برای بخش قابل توجهی از جمعیت کشور، برهم زدن تعادل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مناطق و نابسامانی در نظام سکونتگاهی را به دنبال دارد (شفایی و مدنی، ۱۳۹۰: ۳۵)، زیرا مناطق روستایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارای نقش اساسی هستند (Vadivelu & Kiran, 2013: 108) که پیشرفت و توسعه نواحی دیگر را به دنبال دارند (Kumar et al., 2014: 193). این موضوع منجر به تغییر در رفتار مادی و نگرش جامعه روستایی نسبت به ارتقای موقعیت اقتصادی و اجتماعی، تغییر در درک کلی خانوارهای روستایی از آینده خود و تغییر در شیوه و سبک زندگی روستایی می‌گردد (Efendiev et al., 2014: 11). سبک زندگی از مهمترین مسائلی است که طی دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و دربرگیرنده ترجیحات افراد در نحوه گذران اوقات فراغت، مطالعه، تفریح، استراحت، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل است (یوسف‌نیا و حقیقتیان، ۱۳۹۵: ۴۸). یکی از بهترین تحولات سبک زندگی، تضعیف هویت‌های محلی و تفاوت‌های مکانی و یکسان‌سازی آن‌ها در نتیجه تکثیر و توسعه سبک زندگی مدرن است (Brajša, 2011: 82). امروزه گسترش سبک زندگی شهری تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در مناطق روستایی به جای گذاشته است و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها، دولت و شهرداری، در زمینه فضاهای روستایی، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری داشته و سبب گردیده است که سبک زندگی شهری به مناطق روستایی نفوذ کند (یوسف‌نیا و حقیقتیان، ۱۳۹۵: ۵۵). بدیهی است با دگرگونی در شیوه‌های زندگی، فضای کالبدی مناطق روستایی، به ویژه مسکن روستایی دچار تحولات اساسی می‌شود (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

با این حال هر چه زمان پیش می‌رود، زمینه ورود فناوری و زندگی مدرن به روستاها بیشتر می‌شود و سبک زندگی روستایی را دچار تغییر می‌کند و مسکن روستایی به عنوان یکی از نیازهای اساسی و مصرفی، همچنان تحت تأثیر این تحولات قرار می‌گیرد. خانه‌های روستایی، ساخت و معماری آن‌ها که نمودی از محیط فیزیکی منطقه، آداب و رسوم و ارزش‌ها است، به تدریج با گسترش خدمات و ارتباطات و تغییر در سبک زندگی، دچار تغییر می‌گردد و سبک خانه‌های روستایی و الگوی مسکن نیز تغییر پیدا می‌کند (زرگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶). شناخت الگوها و نحوه ایجاد آنها، اصول و معیارهای معماری سنتی را تبیین می‌کند. فاکتورهایی که با شناخت صحیح آن‌ها و توجه به نیازهای روز جامعه در کنار استفاده از فناوری پیشرفته سازه‌ای، الگوی جدید معماری ایرانی را تعریف می‌کند. در سال‌های اخیر معماری واحدهای مسکونی جدید روستایی با الگوی بومی دارای تفاوت است و مشابه الگوی شهری است (شفایی و مدنی، ۱۳۹۰: ۳۵). واضح است که ادامه این روند روستاهای ایران را از هویت و سیمای اصیل خود دور می‌کند و شالوده‌ای از تفکرات ناهمخوان با بستر منطقه‌ای (زندیه و حصار، ۱۳۹۱: ۶۵) که در طی چند دهه اخیر ملموس‌تر گردیده، را ایجاد می‌کند.

بنابراین مقاله حاضر از رهگذر تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن روستائیان تلاش دارد این موضوع را بررسی کند که تغییرات سبک زندگی در روستاها تا چه اندازه مسکن روستایی، در روستای کندوان را متأثر نموده است. زیرا در این روستا ساخت و سازهای جدید چهره محیط روستا را دگرگون ساخته است و در همتندگی غیر موزون مسکن بومی و مدرن از مشکلات این مناطق است. از سوی دیگر تغییرات در سنت‌ها و آداب و رسوم روستائیان در سال‌های اخیر نمود بیشتری داشته است. بررسی ابعاد مختلف این پدیده بیانگر تغییرات مهمی از اجتماعی و فرهنگی تا تغییر در سبک معماری و الگوی ساخت و مسکن روستایی است، که هر یک ناشی از تأثیر پدیده‌های مختلفی مانند تأثیر رسانه‌ها، ورود گردشگران، رشد تکنولوژی، سیاست‌گذاری‌های نامناسب و غیره بوده است. این تغییرات پیامدهای جدی در بخش مسکن روستایی به همراه داشته است، به گونه‌ای که در ساخت و سازهای جدید صورت گرفته در روستا، برخی فضاها مانند محل نگهداری علوفه و دام در مسکن روستایی حذف شده است. از سوی دیگر بررسی این موضوع که روستائیان از مسکن و مؤلفه‌های آن به چه میزان رضایت دارند، جهت توسعه و بهبود ساخت و سازهای دیگر در

روستا و اصلاح و بهسازی آن دارای اهمیت است. با توجه به هدف در نظر گرفته شده پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به سوال‌های زیر انجام شده است:

- میزان ارتباط بین تغییرات سبک زندگی و الگوی مسکن روستایی کندوان تا چه حد بوده است؟
- میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های سبک زندگی بر الگوی مسکن روستایی کندوان تا چه حد بوده است؟

سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها را در بر می‌گیرد و موسیقی عامه، آگهی‌ها، تلویزیون، تصویرهای بالقوه از سبک زندگی را ایجاد می‌کند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶). این مفهوم از دهه ۱۹۴۰ به بعد به عنوان ابزاری سیاسی برای مشخص نمودن تفاوت بین بلوک‌بندی غرب مقابل نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و پس از آن بلوک شرق و در نهایت در سال‌های بعد طی جنگ سرد کمک کرد (Bendekter, 2011: 3). سبک زندگی الگوهای فردی مطلوب از زندگی را در بر می‌گیرد که بر تمام روش‌هایی که افراد با آن‌ها سروکار دارند، دلالت دارد (Plonczynski et al., 2009: 503) و دارای دو مفهوم متفاوت ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است که شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی محسوب می‌گردد و مفهوم دیگر آن شکل اجتماعی نوینی است که در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنی پیدا می‌کند (معیدفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۰)

اندیشمندان سبک زندگی را از جنبه‌های متعدد بررسی نموده‌اند و هر یک بر اساس دیدگاه خود عواملی را که در انتخاب سبک زندگی مؤثر بوده، تبیین نموده‌اند که این نظریه‌ها را در سه دسته می‌توان جای داد. دسته اول نظریاتی است که سبک زندگی را در سطح کلان بررسی نموده‌اند، عده دیگر از نظریه‌پردازان به نقش عوامل خرد در تبیین سبک زندگی می‌پردازند و در نهایت عده‌ای دیگر به نقش هر دو عامل خرد و کلان در سبک زندگی توجه دارند (ارجمند سیاهپوش و حیدری زرگوش، ۱۳۹۱: ۹۳). وبر در یک تحلیل چند بعدی به سه مفهوم سبک‌مندشدن زندگی، بخت زندگی و تدبیر زندگی توجه می‌کند و ویژگی اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که به برخی از تنگناهای اقتصادی و اجتماعی که ساختاری هستند، مربوط می‌گردد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰). بوردیو سبک زندگی را شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌های مختلف تفریحات و ورزش، معاشرت، اثاثیه و خانه و غیره است، که شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی هستند که بازتابی از نظام سلسله مراتبی است (ارجمند سیاهپوش و حیدری زرگوش، ۱۳۹۱: ۹۴). او برای سبک زندگی نظریه‌ای منسجم بیان می‌کند، به گونه‌ای که شرایط عینی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید رفتار و منش خاص منجر می‌گردد که شامل دو دسته نظام برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراک و شناخت‌ها است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷). زیمل سبک زندگی را شیوه مصرف می‌داند. از نظر وی مدرنیته و تحولات آن منجر به فشارها و هنجارهای اجتماعی می‌شود (بادسار و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲). به باور گیدنز نحوه سبک زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی رفتاری به یکدیگر گره می‌خورد، به دلیل باز بودن زندگی امروز، کثرت یافتن روش‌های کنش و وجود مراجع مقتدرتر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه، به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد. سبک زندگی از نظر گیدنز برنامه‌های مهمتر از فعالیت‌های فراغتی هستند و با مصرف‌گرایی تباه می‌شوند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱).

بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی دربرگیرنده رفتارها و فعالیت‌ها در جریان زندگی است که در عادت‌ها و رفتارهای عمومی افراد و جوامع اثر می‌گذارد و با ایجاد تغییرات مختلف در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی، سبک زندگی نیز دچار تغییر می‌گردد و تغییرات به وجود آمده در سبک زندگی، به صورت ملموس در سبک زندگی اجتماعی، معاش اقتصادی، فرهنگ روستایی، استفاده از منابع طبیعی و کالبد روستا مشاهده می‌گردد. یکی از مهمترین این تأثیرات، تغییر در الگوی مسکن روستایی است که نمایانگر یک جنبه اساسی آن است (Becchio et al., 2016: 1035)؛ زیرا برپایی خانه‌های روستایی وابستگی زیادی به بستری دارد که در آن شکل می‌گیرد. شرایط اقلیمی، کارکرد فضا، ویژگی‌های محیط طبیعی، سنت‌های غالب، اصول فرهنگی و مذهب شکل‌گیری بنا در محیط، شکل و نوع روابط اجتماعی بر کالبد خانه‌های روستایی تأثیرگذار است (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، مجموع محیط فیزیکی را که در برگیرنده خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای زیست خانواده و طرح‌های اشتغال، بهداشت و آموزش است را در بر می‌گیرد (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰). تغییرات الگوی

مسکن روستایی در قالب نظریه پوشش ساختاری- کارکردی تبیین می‌گردد، این پوشش بر این اساس است که دخالت در بخشی از ساختار کالبدی، بدون توجه به دیگر بخش‌های کالبدی و بی‌توجهی به کارکردهای آن، نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. می‌توان بیان کرد، مسکن مفهومی چند وجهی است که مؤلفه‌هایی مانند آسایش، پایگاه اجتماعی، امنیت و هویت را در بر می‌گیرد. از دیدگاه راپاپورت مسکن بخشی از محیط ساخته شده است که روابط میان مردم و مردم، مردم و اشیا و اشیا را در بر می‌گیرد (صلاحی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵). برخی از نویسندگان بر تیپ‌بندی و شکل‌دهی به مسکن روستایی، عوامل مؤثر را در چهار مورد شکل زمین‌شناسی، عوامل اقلیمی، اقتصاد مبتنی بر معیشت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردم خلاصه می‌کنند (Hashem-Nejad & Molanaei, 2009: 2). رضوانی نیز مسکن روستایی را به سه دسته فضای زیستی، فضای معیشتی و فضای مشترک زیستی- معیشتی تقسیم می‌نماید (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). به زعم سرتیپی‌پور، طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، انطباق با شرایط درون و بیرون مسکن و ابعاد تناسب مقیاس، بیانگر میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی است که به صورت معیارها و اصولی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۸)، و این امر منجر گردیده که جوامع شهری و روستایی از نظر شاخص‌هایی مانند پیچیدگی، فرهنگی، سرعت تغییرات، فرصت‌های شغلی، موقعیت اجتماعی، تقسیم کار و تمایلات مذهبی و طبیعت‌گرایی از هم متمایز گردند (Irene & Spiller, 2014: 511). بهبود شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی علاوه بر آنکه شرایط زیست روستائیان را بهبود می‌بخشد، در فراهم نمودن فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی، بهبود وضعیت بهداشت، افزایش درآمد، ارتقای روش‌های صنعتی تولید و مصالح ارزان قیمت تأثیر می‌گذارد (Baal, 2016: 2).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در رابطه با متغیرهای پژوهش، مطالعات متعددی صورت گرفته است و هر یک در مناطق گوناگون به بررسی موضوع در ابعاد مختلف پرداخته‌اند، پژوهش حاضر نیز با مینا قرار دادن این مطالعات اقدام به بررسی تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن در روستای کندوان نموده‌است، زیرا این روستا در طی دهه‌های اخیر به واسطه ورود گردشگران، تکنولوژی و رسانه‌ها، تغییراتی در شیوه زندگی مردم صورت گرفته است که بر کالبد روستا نیز تأثیرگذار بوده است. در پژوهشی که النعیم و محمود^۱ (۲۰۰۷) به منظور تغییرات الگوی مسکن در نیجریه انجام دادند به این نتیجه رسیدند، در سه دهه اخیر، به واسطه تغییرات فرهنگی، مسکن روستایی متأثر از الگوی جهانی شدن و شهری شدن است. بانسکی و وسولوسکا^۲ (۲۰۱۰) نیز پژوهشی را با هدف بررسی تحولات اقتصادی بر مسکن روستایی لهستان انجام دادند به این نتیجه رسیدند، که ساختمان‌های جدیدی که در مناطق روستایی در حال شکل‌گیری است، تابعی از میزان نزدیکی به حومه شهر و فاصله از آن است و فشار ناشی از سرمایه‌گذاری جدید منجر به ظهور تحولات زیستی و تعارض بین بخش کشاورزی و مسکن شده است. بیمیش و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی که با هدف بررسی تأثیرات سبک زندگی بر اولویت‌های مسکن انجام دادند، تأثیرات مربوط به سبک زندگی شامل چرخه زندگی، طبقه اجتماعی، درآمد، شغل، ارزش‌ها و غیره بر انتخاب مسکن مناسب را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند بین دو متغیر مورد بررسی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در پژوهشی دیگر سالاما و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، به بررسی روند سبک زندگی و نوع‌شناسی الگوی مسکن پرداختند و این نتیجه رسیدند که این دو مفهوم، چشم‌انداز مناسب و اهمیت از پویایی مسکن مبتنی بر تقاضا ارائه می‌دهد. لیو و همکاران^۵ (۲۰۲۰) نیز به ارزیابی ارتباط و تأثیرپذیری سبک زندگی و تلفیق اراضی مسکن روستایی چین با داده‌های بزرگ محلی پرداختند و به ایت نتیجه رسیدند که ادغام زمین مسکن، به سبک و شیوه زندگی روستائیان آسیب نمی‌زند. از جمله پژوهش‌های داخلی صورت گرفته می‌توان پژوهش پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) را نام برد که به بررسی اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی در بخش مرکزی قزوین پرداختند و به این نتیجه رسیدند بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی معناداری برقرار است. محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی که با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر تحولات الگوی مسکن روستایی در دهستان اقبال شرقی قزوین انجام دادند به این نتیجه رسیدند رابطه معنی‌داری میان پذیرش الگوی نوین مسکن و ویژگی‌های خانوارهای روستاهای مورد مطالعه وجود دارد و با دسترسی خانوارها به اعتبارات مسکن، تغییرات الگوی مسکن افزایش می‌یابد. یعقوبی و همکاران (۱۳۹۵) نیز تأثیر گردشگری بر تغییر الگوی

1. Al-Naim & Mahmud
2. Banski & Wesolowska
3. Beamish
4. Salama
5. Liu et al

مسکن در شهرستان رضوانشهر را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند معماری سنتی و بومی در حال از بین رفتن است و جای خود را به معماری شیوه مدرن شهری داده است و مؤلفه استحکام‌سازی در ساخت و ساز مسکن جدید تأثیرات مثبتی در رضای مردم داشته است. ظاهری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تغییرات الگوی مسکن روستایی و ارزیابی اثرات اقتصادی آن در دهستانهای آجی‌چای و میدان چای تبریز پرداختند. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد شاخص تغییرات اجتماعی مانند مصرف‌گرایی، ناهنجاری و پذیرش فرهنگی بیشترین تأثیر در تغییرات الگوی مسکن روستایی دارند. همچنین شاخص‌های پلان معماری مسکن، کیفیت بنا و مقاومت مسکن بر عوامل اقتصادی تأثیر مستقیم دارند. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تأثیرپذیری الگوی مسکن روستایی از سبک زندگی روستاییان در شهرستان نکا پرداخته و به این نتیجه رسیدند بین الگوی مسکن روستایی و تغییرات سبک زندگی رابطه معنی‌دار وجود دارد و بیشترین تأثیر بر رژیم غذایی و تغذیه و نحوه گذران اوقات اختصاص دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اثرگذاری سبک زندگی بر الگوی مسکن روستایی انجام شده است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی انجام شده است که رویکرد حاکم بر آن از نوع کمی می‌باشد. جامعه آماری روستای کندوان ۱۵۱ خانوار است. بنابراین از روش تمام شماری در این روستا جهت تکمیل پرسشنامه‌ها استفاده گردید. پراکندگی تعداد نمونه‌ها در روستا به صورت تصادفی سیستماتیک بوده است. جهت گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بوده که به صورت بسته در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) طراحی گردید. جهت تنظیم آن در بعد متغیر سبک زندگی از سه شاخص در قالب ۵۴ نماگر و در بعد متغیر الگوی مسکن از چهار شاخص در قالب ۲۴ نماگر بر اساس مطالعات سایر پژوهشگران به صورت تلفیقی بهره گرفته شد (جدول ۱). روایی صوری پرسشنامه، به وسیله پانل متخصصان و اساتید صاحب‌نظر مورد بررسی قرار گرفت و پس از تغییرات لازم مورد بررسی مجدد و تأیید قرار گرفت. جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون در منطقه توزیع گردید که ضریب پایایی آن برای کل پرسشنامه مذکور ۰/۹۵ برآورد گردید که نشان دهنده این است که پرسشنامه مذکور از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است و توان سنجش متغیرهای تحقیق را داراست. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS بهره گرفته شد. که در آن از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق، از رگسیون چند متغیره برای بررسی میزان اثرگذاری سبک زندگی بر الگوی مسکن و استفاده گردید.

جدول ۱. فهرست شاخص‌ها و نماگرهای مورد بررسی در پژوهش

متغیر	شاخص	مؤلفه	نماگر
اقتصادی	پیشرفت اقتصادی	درآمدزایی	میزان گرایش به فعالیتهای درآمدزا، نگاه پولی به کار و فعالیت‌ها، انگیزه بدست آوردن سود
		توسعه صنعتی و اثر آن بر تولید روستا، صنعتی شدن کشاورزی، استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری	توسعه صنعتی و اثر آن بر تولید روستا، صنعتی شدن کشاورزی، استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری
		ثروت اندوزی و مادی‌گرایی	میزان پس‌انداز، قانع بودن به حد معقول ثروت، تجمل‌گرایی، داشتن خانه و مالکیت وسایل نقلیه، گرایش به داشتن کالا و ابزار تکراری (ماشین، خانه و غیره) جمع‌آوری ثروت، تلاش برای کسب ثروت از طریق شیوه‌های نامتعارف، نگاهی پولی به همه فعالیت‌ها و مناسبات، تلاش برای داشتن چندین شغل
اجتماعی	تغییرات رفتاری	الگوی تغذیه	استفاده از غذاهای آماده، میزان پخت و پزغذا به روش سنتی، استفاده از غذاهای رستورانی، میزان استفاده از خوراکی‌های مانند چیپس، پفک و غیره
		تغییرات رفتاری	میزان علاقه به زندگی در شهر، کم شدن ارتباطات خانوادگی، افزایش سود شخصی در مقابل سود جمعیت، گرایش به سبک و شیوه زندگی شهری، میزان استفاده از آهنگ‌های جدید
		کاربرد فناوری‌های نوین	استفاده از موبایل، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از اینترنت در اوقات فراغت، استفاده از کامپیوتر در منزل، جایگزینی بازی‌های الکترونیکی به جای بازی‌های بومی
اثر فرهنگی	ورود شدن مشاغل جدید به روستا	ورود گردشگران	ورود افراد غیر روستایی برای فعالیت در گردشگری، مهاجرت معکوس، تلفیق کار و فعالیت، ایجاد فعالیتهای مربوط به گردشگری خلاق، قرار دادن مسکن جهت بازدید گردشگران
		مدگرایی	استفاده از امکانات گرمایش، سرمایش و روشنایی به شیوه شهری، تغییر ظاهر جوانان به الگوهای خارجی، پیگیری مدل‌های جدید در زمینه‌های مختلف توسط جوانان، استفاده از سبک‌های شهری دکوراسیون در داخل منازل روستایی، تغییر نمای ساختمان‌های مسکونی به الگوهای شهری، استفاده از میلمان در منزل
		وارد شدن مشاغل جدید به روستا	استفاده از مواد غذایی آماده و فروشگاه‌های در منزل، اعتقاد به هزینه‌بر بودن تولید نسبت به خرید، گرایش کم به تولید خانگی مواد اولیه خوراکی، اعتقاد به افزایش تنوع در مصرف کالاهای آماده، استفاده از وسایل لوکس و تجملی
احساس تعلق		نامناسب بودن روستا برای زندگی، تشویق دیگران برای مسافرت و زندگی در روستا، توجه به آبادی روستا و مهم نبودن آن، کاهش میزان دلبستگی به مکان، احساس راحتی در روستای خود نسبت به سایر مکان‌ها	

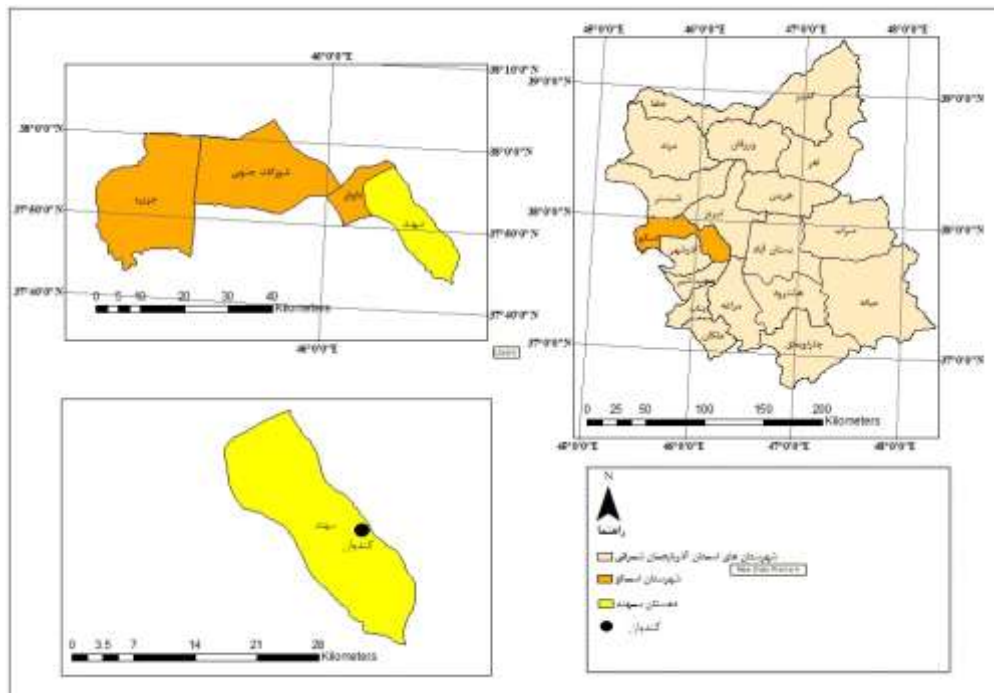
رضایت از مسکن	میزان احساس امنیت خانواده در مقابل سوانح طبیعی، میزان رضایت از موقعیت قرارگیری مسکن، رضایت از واحد مسکونی در تعداد اتاق‌ها
پلان معماری مسکن	وجود سرویس بهداشتی در داخل ساختمان، داشتن حیات خلوت، آشپزخانه این، اتاق‌های جداگانه برای خواب، وجود اتاق مخصوص پذیرایی
مقاومت مسکن	ساخت و ساز مسکن بر اساس مجوز و نقشه، میزان تمایل افراد به تعمیرات در واحدهای مسکونی، میزان کاربرد مصالح بومی در واحدهای مسکونی، میزان توجه به بستر و نوع خاک محل در هنگام ساخت و ساز، استفاده از مصالح بومی روستا، استفاده ترکیبی از مصالح بومی و جدید، میزان دوام سازه و واحد مسکونی، استفاده از معماران باتجربه در ساخت مسکن روستایی
کیفیت بنای مسکن	استفاده از وسایل سرمایش و گرمایش، قدمت واحد مسکونی، امکانات واحد مسکونی، میزان دوام مصالح بکارگرفته در مسکن، محل قرارگیری سرویس بهداشتی، محل نگهداری دام، استفاده از مصالح ساختمانی مقاوم، مصالح به‌کار رفته در نمای واحد مسکونی.

منبع: مطالعات سایر پژوهشگران به صورت تلفیقی

آب و هوا
سکونت

قلمرو جغرافیایی پژوهش

روستای کندوان در فاصله ۵۲ کیلومتری جنوب غربی تبریز و ۲۵ کیلومتری جنوب اسکو و در بخش اسکو واقع است که در ضلع غربی کوه‌های سه‌سند قرار دارد. این روستا از توابع شهرستان اسکو در استان آذربایجان شرقی است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ در مرکز آمار ایران، این روستا دارای جمعیت ۴۵۰ نفر و ۱۵۱ خانوار بوده است که ۲۲۲ نفر را مردان و ۲۲۸ را زنان شامل می‌شد. شکل شماره ۱ بیانگر منطقه مورد مطالعه است.



شکل ۳. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

یافته‌ها و بحث

از پرسش‌نامه‌های توزیع شده در بین سرپرستان خانوار کندوان، بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۱۴۰ نفر (۹۰/۳ درصد) را مردان و ۱۵ نفر (۹/۷ درصد) را زنان شامل بودند. از بین چهار رده سنی در نظر گرفته شده (۲۰-۳۰ سال، ۳۱-۴۰ سال، ۴۱-۵۰ سال و بالای ۵۰ سال) بیشترین تعداد پاسخگویان با ۶۴ نفر در رده سنی ۴۱-۵۰ سال قرار داشتند که ۴۱/۳ درصد کل پاسخگویان را بر می‌گرفت. از لحاظ میزان تحصیلات از بین چهار مقطع تحصیلی (بی‌سواد و ابتدایی، زیر دیپلم و دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر) در نظر گرفته شده، بیشترین تعداد یعنی ۵۳ نفر از پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند و شامل ۳۴/۲ درصد پاسخگویان بود.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از شاخص‌های در نظر گرفته شده برای پژوهش، پس از محاسبه و سنجش نماگرهای هر شاخص، برای متغیر الگوی مسکن، به ترتیب میانگین ۳/۰۳۱ و انحراف معیار ۰/۴۵۷ برآورد گردید. در رابطه با متغیر سبک زندگی، میانگین شاخص اقتصادی ۲/۸۳۹، میانگین اثرات اجتماعی ۳/۴۵۰ و میانگین اثرات فرهنگی سبک زندگی ۳/۵۰۰ ارزیابی گردید. همانگونه که پیداست شاخص تغییرات فرهنگی سبک زندگی دارای میانگین بالاتری نسبت به سایر شاخص‌ها است (جدول ۲).

جدول ۲. بررسی میانگین و انحراف معیار شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	اثرات اقتصادی سبک زندگی	اثرات اجتماعی سبک زندگی	اثرات فرهنگی سبک زندگی	الگوی مسکن
میانگین	۲/۸۳۹	۳/۴۵۰	۳/۵۰۰	۳/۰۳۱
انحراف از معیار	۰/۳۴۳	۰/۶۲۴	۰/۵۵۱	۰/۴۵۷

در این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تغییرات سبک زندگی و الگوی مسکن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. مطابق یافته‌های جدول (۳) ضریب همبستگی بین اثرات اقتصادی سبک زندگی و الگوی مسکن ۰/۵۸۷، اثرات اجتماعی و الگوی مسکن ۰/۵۶۲ و اثرات فرهنگی و سبک زندگی با ضریب همبستگی ۰/۸۸۳ بدست آمد، همچنین سطح معنی‌داری تمام شاخص‌ها نیز ۰/۰۰۰ بدست آمد. بنابراین می‌توان بیان کرد بین تغییرات سبک زندگی و الگوی مسکن با سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین اثرات فرهنگی و سبک زندگی بیشترین همبستگی وجود دارد و کمترین همبستگی نیز بین اثرات اقتصادی و سبک زندگی برآورد گردید. اثرات فرهنگی در برگرنده مدگرایی، مصرف‌گرایی، احساس تعلق و تغییر زبان و یادگیری زبان جدید است که با الگوی مسکن در ارتباط است. زیرا با مدگرایی و مصرف‌گرایی، زمینه برای استفاده از شیوه‌های نوین ساخت و ساز و تجمل‌گرایی در روستاها افزایش می‌یابد، که زمینه افزایش ماندگاری روستائیان و احساس تعلق را فراهم می‌نماید.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

سبک زندگی	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری	الگوی مسکن
اثرات اقتصادی	۰/۵۸۷	۰/۰۰۰	۱
اثرات اجتماعی	۰/۵۶۲	۰/۰۰۰	
اثرات فرهنگی	۰/۸۸۳	۰/۰۰۰	

در پژوهش حاضر بنا بر هدف در نظر گرفته شده، جهت بررسی و میزان تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن از ضریب رگرسیون چند متغیره جهت بررسی سهم یک یا چند متغیر مستقل در متغیر وابسته استفاده گردید. جدول (۴) نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد. همان گونه که در جدول تحلیل واریانس مشاهده می‌گردد، یافته‌ها بیانگر این است که معیار تصمیم از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین مقدار رگرسیون با ۰/۹۶۶ و درجه آزادی ۳ با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین سبک زندگی و الگوی مسکن رابطه وجود دارد. به بیان دیگر بین متغیر مستقل سبک زندگی و متغیر وابسته الگوی مسکن با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ رابطه وجود دارد. همچنین ۰/۹۳۲ از آزمون واریانس الگوی مسکن از طریق شاخص‌های سبک زندگی قابل تبیین است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون برای متغیرهای سبک زندگی و الگوی مسکن

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	f	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۲/۰۵۶	۳	۷/۰۱۹					
باقیمانده	۱/۵۱۴	۱۵۱	۰/۱۰	۷۰۰/۰۷۹	۰/۹۶۶	۰/۹۳۳	۰/۹۳۲	۰/۰۰۰
کل	۲۳۳/۵۷۰	۱۵۴						

جهت بررسی ابعاد مسکن در روستای کندوان از دیدگاه روستائیان از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. در این آزمون، عدد (۳) به‌عنوان مطلوبیت عددی مورد آزمون یا میانه نظری در نظر گرفته شده است. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای بر اساس جدول (۵) نشان می‌دهد، ابعاد الگوی مسکن در روستاهای مورد مطالعه در حدود متفاوتی از هم قرار دارند. به گونه‌ای که دو مؤلفه رضایت از مسکن و پلان معماری روستا با مقدار t منفی و میانگین کمتر از عدد ۳ در سطح مطلوبی قرار ندارند. همچنین این دو مؤلفه کرانه

بالا و پایین آن‌ها نیز منفی برآورد گردید. از سوی دیگر دو مؤلفه مقاومت مسکن و کیفیت بنای مسکونی دارای مقدار t مثبت بودند به گونه‌ای که مقاومت مسکن دارای مقدار ۴/۱۴۹ و سطح معنی‌داری ۳/۲۲۲ و کیفیت بنای مسکونی با مقدار t ۵/۷۰۶ و میانگین ۳/۳۰۰ برآورد گردید، همچنین سطح معنی‌داری این دو مؤلفه ۰/۰۰۰ و کرانه بالا و پایین آن نیز مثبت بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که روستائیان درباره مقاومت مسکن و کیفیت بناهایی که در آن زندگی می‌کند دارای رضایت هستند.

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای بررسی ابعاد مسکن روستایی

شاخص	مقدار t	سطح معنی‌داری	فاصله اطمینان ۰/۹۵	
			کرانه پایین	کرانه بالا
رضایت از مسکن	-۱۴/۹۸۶	۰/۰۰۰	۲/۴۷۹	-۰/۵۸۸
پلان معماری مسکن	-۱۰/۹۰۵	۰/۰۰۰	۲/۶۲۴	-۰/۴۴۴
مقاومت مسکن	۴/۱۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۲۲	۰/۱۱۶
کیفیت بنای مسکن	۵/۷۰۶	۰/۰۰۰	۳/۳۰۰	۰/۱۹۶

نتیجه‌گیری

مسکن و اقامت‌گاه روستایی، برآمده از مهمترین احتیاجات انسان است و به عنوان یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده در کانون زندگی افراد تبدیل شده است و بیانگر شیوه زیست، معیشت و نیروها و عوامل متعدد در شکل‌گیری آن است. معماری مسکن روستایی از شرایط محلی، آگاهی جامعه، تغییرات ایجاد شده به وسیله ارتباط با شهر و بسیاری از موارد دیگر تأثیر می‌پذیرد. این امر باعث می‌گردد الگوی مسکن روستایی از شکل بومی خارج شده و دچار تغییرات گردد. سبک زندگی و تغییرات بوجود آمده در آن یکی از عوامل مهمی است که الگوی مسکن را در نواحی روستایی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییرات سبک زندگی و اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی در کندوان انجام شده است. جهت تحلیل موضوع در بخش تغییرات سبک زندگی از سه شاخص در قالب ۱۱ مؤلفه و ۵۰ نامگر و در بخش الگوی مسکن از چهار شاخص در قالب ۲۴ نامگر بهره گرفته شد.

نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش از دیدگاه سرپرستان خانوار نشان می‌دهد که تغییرات سبک زندگی در روستای کندوان توانسته است الگوی مسکن را متأثر سازد، به گونه‌ای که از بین سه شاخص سبک زندگی، اثرات فرهنگی یکی از عواملی محسوب می‌گردد که الگوی مسکن را تحت تأثیر قرار داده است، از بین مؤلفه‌های فرهنگی، مدگرایی با توجه به نظر سرپرستان خانوار، تأثیر بیشتری بر الگوی مسکن داشته است، زیرا مدگرایی باعث استفاده از وسایل سرمایشی، گرمایشی و روشنایی به شیوه شهری شده است و استفاده از سبک‌های شهری در دکوراسیون داخلی منازل رواج یافته است. از سوی دیگر این امر تغییر نمایی ساختمان‌های مسکونی را در ساخت و سازهای جدید تحت تأثیر قرار داده است. توجه به این موارد و تغییرات ایجاد شده به وسیله آن از سوی روستائیان سبب شده است، زمینه تشویق مسافران به روستا فراهم گردد و این تشویق و توجه، به نوبه خود زمینه را برای آشنایی بیشتر روستائیان با الگوهای موجود در سایر نقاط آشنا نماید و تجمل‌گرایی و گرایش به لوکس‌گرایی را در بین آن‌ها رواج دهد.

از عمده عواملی که الگوی مسکن را تحت تأثیر قرار داده است می‌توان میزان گرایش روستائیان به فعالیت‌های درآمدزا، نگاه پولی به فعالیت‌ها و همچنین انگیزه بدست آوردن سود را نام برد که زمینه را برای داشتن درآمد بیشتر فراهم می‌نماید؛ و هنگامی که درآمد روستائیان بیشتر باشد، مسکن نیز از آن تأثیر می‌پذیرد، زیرا روستائیان تمایل دارند که در فضای مسکونی بهتر، جهت آسایش بهتر و مناسبتر، اقامت کنند. از سوی دیگر ورود گردشگران به این روستا و اقامت آن‌ها منجر به تغییراتی در سبک منازل شده است و زمینه‌های تلفیق کار و فعالیت و ایده‌های خلاقانه برای جذب گردشگر را به همراه داشته باشد. این موضوع به نوبه خود زمینه مهاجرت معکوس و بازگشت روستائیان در فصل‌های خاصی از سال و در برخی موارد بازگشت دائمی آن‌ها به روستا را با دنبال داشته باشد. از سوی دیگر بسیاری از روستائیان با در اختیار قرار دادن سکونتگاه‌های خود به گردشگران علاوه بر کسب درآمد، جهت جلب رضایت گردشگران اقدام به تغییراتی در مسکن خود نمایند و شیوه‌های ساخت آن را تغییر دهند. از جمله این تغییرات ایجاد سرویس‌های بهداشتی در داخل منازل و ایجاد آشپزخانه‌های باز است. یافته‌های پژوهش نیز مؤید این ادعا است که بین سبک زندگی و الگوی مسکن رابطه وجود دارد و تغییرات به وجود آمده در الگوی مسکن تحت تأثیر سبک زندگی قرار دارد، به

گونه‌ای که نتایج رگرسیون نشان داد ۰/۹۳۲ از تغییرات آگوی مسکن از طریق ابعاد مختلف سبک زندگی تبیین می‌گردد. این نتایج نشان می‌دهد علاوه بر آنکه سبک زندگی بر الگوی مسکن تأثیرگذار است، بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌دار نیز وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نیز مؤید این موضوع است و آن را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که بیشترین همبستگی بین اثر فرهنگی و الگوی مسکن با میزان همبستگی ۰/۸۸۳ وجود داشت و از سوی دیگر سطح معنی‌داری تمام شاخص‌ها معنی‌دار و مقدار همبستگی آن‌ها مثبت ارزیابی گردید. از سوی دیگر بررسی دیدگاه روستاییان و نظر آن‌ها درباره الگوی مسکن نشان داد رضایت از مسکن و پلان معماری در سطح مطلوبی قرار ندارد و میانگین آن پایین‌تر از مقدار مطلوب است. عدم مطلوب بودن رضایت از مسکن و پلان ناشی از موقعیت قرارگیری، تعداد اتاق‌ها، همچنین امنیت در مقابل سوانح، وجود اتاق‌های جداگانه و وجود حیاط خلوت بوده است. دو مؤلفه مقاومت مسکن و کیفیت بنای مسکونی با توجه به میانگین‌ها و سطح معنی‌داری بدست آمده در سطح مطلوب قرار داشت، زیرا ایجاد ساخت و سازهای مبتنی بر نقشه در مسکن جدید، استفاده از مصالح مقاوم، دوام سازه و واحد مسکونی و همچنین بهره‌گیری از وسایل سرمایشی و گرمایشی از عواملی هستند که باعث گردیده مقاومت و کیفیت مسکن در سطح مطلوبی قرار داشته باشد.

با توجه به آنچه ذکر گردید می‌توان گفت تغییرات در سبک زندگی روستایی، الگویی مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و متناسب با این تغییرات مسکن روستایی در ابعاد داخلی و بیرونی دست‌خوش تغییرات محسوس می‌گردد؛ به گونه‌ای که در ساخت و سازهای جدید که در روستا صورت گرفته است از مصالح شهری و غیر بومی در کالبد مسکن استفاده می‌گردد و مصالح بومی حضور کم‌رنگ‌تری دارد. این امر گویای این است که در زندگی امروزه تحت هر شرایطی به صورت آگاهانه و ناآگاهانه، سبک زندگی در اثر ورود تکنولوژی و استفاده از رسانه‌ها دچار تغییر می‌گردد و مسکنی که در روستا در سالیان اخیر ساخته شده است این تغییرات را به صورت روشنتری نشان می‌دهد و توجه به آسایش و آرامش در این فضاها و دسترسی مناسب به منازل، این تغییرات را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های صیدایی و همکاران در سال ۱۳۹۴ مبنی بر اینکه الگوی مسکن جدید با نیازهای زیستی و معیشتی خانوار تطابق و سازگاری دارد، همخوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق حاضر با تحقیق عنابستانی و همکاران در سال ۱۳۹۷ که دریافتند الگوی مسکن و تغییرات سبک زندگی دارای رابطه معنی‌دار است، نیز همخوانی دارد. نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های تحقیق بیمیش و همکاران (۲۰۱۵) که با هدف تأثیرات سبک زندگی بر الگوی مسکن انجام دادند و همچنین تحقیق سالاما و همکاران (۲۰۱۷) که به بررسی روند سبک زندگی و نوع‌شناسی مسکن در حال ظهور انجام دادند، نیز مطابقت دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر راهکارهای زیر را می‌توان پیشنهاد نمود:

- شناخت کارکردهای اجزای مسکن روستایی و توجه به تغییرات آن‌ها مطابق با نیازهای روز،
- توجه به رفاه و آسایش روستاییان و رعایت ضوابط مربوط به امنیت و مقاومت مسکن،
- راه‌های دسترسی به روستا جهت بازگشت بخشی از جمعیت، زیرا روستاییان اظهار داشتند به علت نامناسب بودن راه‌ها در زمستان بسیاری از خانواده‌ها منازل خود را ترک می‌کنند و به شهرها مهاجرت می‌کنند.
- تا حد امکان از مصالح بومی با رعایت پایداری سازه و مقاومت بنا استفاده شود و عناصر معماری روستایی مانند آغل، انبار و غیره در ساخت و سازها لحاظ گردد.
- با استفاده از فناوری‌های نوین که در روستا گسترش پیدا نموده است، زمینه‌ای فراهم نمود که روستاییان به روستا احساس تعلق داشته باشند و با ایجاد زیرساخت‌ها روستا را برای زندگی آن‌ها مناسب نمود و روستای فقط جنبه گردشگری نداشته باشد.

منابع

- ارجمند سیاهپوش، اسحق و حیدری زرگوش، معصومه. (۱۳۹۱). تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر سبک زندگی روستایی و عشایری شهرستان گیلان غرب. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۴)، ۸۹-۱۰۳.
- بادسار، محمد؛ فتحی، سهیلا؛ رضایی، روح‌اله و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۵). تحلیل تحولات سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن در مناطق روستایی، مورد مطالعه: شهرستان زنجان. *روستا و توسعه*، ۱۹(۲)، ۷۵-۱۰۶.

- بسحاق، محمدرضا؛ سالاروند، اسماعیل و صیدایی، سیداسکندر. (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها و عوامل پایداری مسکن روستایی، مورد مطالعه: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان راونسر. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱(۴)، ۴۸-۲۵.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و نیکبخت، منصوره. (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، نمونه موردی: روستاهای بخش مرکزی قزوین. فضای جغرافیایی، ۱۱(۳۵)، ۱۱۵-۱۳۴.
- پورطاهری، مهدی؛ فضلعلی، زینب و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستایی، مورد مطالعه: روستاهای استان مازندران. آمایش جغرافیایی فضا، ۲۱(۱)، ۱۳۱-۹۵.
- دادورخانی، فضیله؛ حسام، مهدی؛ چراغی، مهدی، امید، امید، امید و محمدی، زینب. (۱۳۹۷). تحلیل اثرات تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی، مورد مطالعه: روستاهای استان لرستان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۶۳، ۷۴-۶۱.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ حاجی‌پور، مجتبی؛ فتاحی، احد و پایدار، ابودر. (۱۳۹۱). بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی با معماری بومی و رضایت‌مندی ساکنین روستایی، مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان دلفان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۹، ۸۵-۹۸.
- زرگر، اکبر؛ سرتیپی‌پور، محسن؛ میری، سیدحسن و شیخ طاهری، حامد. (۱۳۹۶). طراحی و شکل‌گیری خانه‌های روستایی به روایت معماران قدیمی، مورد مطالعه: روستاهای شهرستان گرمسار. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۵۸، ۱۹-۳.
- زندیه، مهدی و حصار، پدram. (۱۳۹۱). تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۸، ۷۲-۶۳.
- سجاسی قیداری، حمداله؛ صادقلو، طاهره و شهدادی، علی. (۱۳۹۴). اثرات جهانی شدن بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۴)، ۱۸۸-۱۵۳.
- سعیدی، عباس. (۱۳۹۰). پوشش ساختاری - کارکردی رویکرد نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی. فصلنامه جغرافیا، ۹(۲۹)، ۲۹، ۷-۱۶.
- شفایی، مینو و مدنی، رامین. (۱۳۹۰). تبیین روش تحقیق زمینه‌یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی. فصلنامه آرماتشهر، ۷، ۳۰-۱۷.
- صلاحی اصفهانی، گیتی؛ میرزاعلی، محمد و سادین، حسین. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل اثرات طرح بهسازی مسکن بر الگوی بومی مسکن روستایی، مورد مطالعه: دهستان سلطانعلی شهرستان گنبد کاووس. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۵۷، ۱۱۶-۱۰۱.
- صیدایی، اسکندر؛ صادقی، حجت‌اله و فدایی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی تغییرات کالبدی و فضایی جدید مسکن در روستا-شهرها، مطالعه موردی: روستا-شهر ده چشمه، شهرستان فارس. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۰(۳۳)، ۹۰-۷۷.
- ظاهری، محمد؛ حسینی شه‌پریان، نبی‌اله و هاشمی، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی تغییرات الگوی مسکن روستایی و ارزیابی اثرات اقتصادی آن، مطالعه موردی: دهستان‌های آجی‌چای و میدان‌چای شهرستان تبریز. فصلنامه روستا و توسعه، ۲۱(۳)، ۴۹-۲۵.
- عباس‌زاده، محمد؛ نصرالهی وسطی، لیلا و دانش، لیلا. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تغییرات در زندگی دختران روستایی، مورد مطالعه: روستای صوفی آذربایجان غربی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱)، ۴۹-۲۳.
- عظمتی، حمیدرضا؛ رستمی، دود و پورباقر، سمیه. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی الگوی فضایی مسکن شهری مبتنی بر پیشینه تاریخی و اجتماعی شهری، مورد مطالعه شهر اردبیل. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳، ۳۲-۲۳.
- علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه. (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن روستایی از گذشته تا حالا. مسکن و محیط روستا، ۱۴۱، صص ۳۶-۱۹.

- عنابستانی، علی اکبر؛ بهزادی، صدیقه و انزایی، الهه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری الگوی مسکن از سبک زندگی روستاییان در شهرستان نکا. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۱(۲۷)، ۵۱-۳۵.
- عنابستانی، علی اکبر؛ شایان، حمید و بنیادداشت، ابولقاسم. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی، مورد مطالعه: شهرستان بهمئی. فصلنامه برنامه ریزی فضایی، ۱(۳)، ۸۰-۶۳.
- فاضل نیا، غریب؛ تقدیسی، احمد و ملانوروزی، معصومه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات الگوی مسکن در روستا-شهرها، مطالعه موردی: روستا-شهر محمدآباد شهرستان زابل. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۳)، ۱۷۲-۱۵۱.
- محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی و درویش وند، سکینه. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر تحولات الگوی مسکن روستایی، با تأکید بر هویت، مورد مطالعه: دهستان اقبال شرقی، شهرستان قزوین. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۹، ۱۰۲-۹۱.
- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۰). تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷، ۹۷-۶۷.
- یعقوبی، مهرانگیز؛ قریشی میناآباد، محمد باسط و مولائی هاشجین، نصراله. (۱۳۹۵). بررسی نقش گردشگری بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی، مورد مطالعه: شهرستان رضوانشهر. فصلنامه برنامه ریزی منطقه/ای، ۶(۲۴)، ۱۸۸-۱۷۹.
- یوسف نیا، مهدی و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی در نواحی روستایی ایران، مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان های خواف و رشتخوار. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۵(۴)، ۵۹-۴۷.

- Al-Naim, M., & Mahmud, S. (2007). Transformation of traditional dwellings and income generation by low-income expatriates: The case of Hofuf, Saudi Arabia. *Cities*, 24(6), 422-433.
- Baal, M. (2015). Housing provision in 21st century Europe, *Habitat International*, 3(154), 182-188.
- Banski, J., & Wesolowska, M. (2010). Transformations in housing construction in rural areas of Poland sublin Region-Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning Journal*, 94, 116-126.
- Beamish, J., Carucci Goss, R., & Emme, J.M. (2015). Lifestyle Influences on Housing Preferences. *Housing and Society*, 28(1-2), 1-28.
- Becchio, C., Bello, C., Corgnati, S. P., & Ingaramo, L. (2016). Influence of occupant behaviour lifestyle on an Italian social housing. *Energy Procedia*, 101, 1034 – 1041.
- Benedikter, Roland & Anheier M., & Smeyer, J. (2011). *Lifestyles*. The sage encyclopedia of global studies: Illinois.
- Brajša, Z, A., Merkas, M., & Sverko, I. (2011), Quality of life and leisure activities: How does leisure activities contribute to subjective well-being, *Bute? Being-well subjective to social indicators research*, 102(1), 81-91.
- Efendiev, A., Sorokin, P., & Kozlova, M. (2014). Transformations in the Rural Life in Russian Belgorod Region in 2000-2013 Through Modernization Theoretical Perspective: Increasing Material Well-Being, Growing Individualism and Persisting Pessimism, *Social scienc reserarch network*, 56, 1-26.
- Hashem-Nejad, H., & Molanaei, Salah. A. (2009). Architecture with a View of the Sky: Rural Habitats-Especial Structure in Rural Zagros Architecture (Kurdistan Region). *Journal of Fine Arts*, 36, 17-26.
- Irene, B., & Spiller, G. A. (2014). Health-improving lifestyles of organic and functional food consumers. *British Food Journal*, 3(116), 510 – 526.
- Kumar, D.P., Bhavani, R.V., & Swaminathan, A. (2014), A Farming system model to leverage agriculture for nutritional out comes. *Agricultural research*, 3(3), 193-203.
- Liu, L., Gao, X., Zhuang, J., Wu, W., Yang, B., Cheng, W., Xiao, P., Yao, X., & Deng, O. (2020). Evaluating the lifestyle impact of China's rural housing land consolidation with locational big data: A study of Chengdu. *Land Use Policy*, 96, 1-9.
- Plonczynski, D. J., Wilbur, J., Larson, J. L., & Thiede, L. (2009). Lifestyle Physical Activity of Older Rural Women. *Research Nursing Health*, 5(31), 501-513.

- Salama, A. M., Wiedmann, F., & Galal Aibrahim, H. (2017). Lifestyle trends and housing typologies in emerging multicultural cities, *Journal of Architecture and Urbanism*, 41(4), 316-327.
- Vandivelu, A., & Kiran, B.R. (2013). Problems and prospects of agricultural marketing in india: an overview. *international journal of agricultural and food science*, 3(3), 108-118.

How to cite this article:

Abizade, E., & Bakhtar, S. (2022). Analysis of the Impact of Lifestyle Changes on the Villager Housing Pattern (Case Study: Kandovan Village). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(2), 391-402.

ارجا به این مقاله:

ابی‌زاده، الناز و باختر، سهیلا. (۱۴۰۱). تحلیل اثرگذاری تغییرات سبک زندگی بر الگوی مسکن روستایی (مورد مطالعه: روستای کندوان). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۲)، ۳۹۱-۴۰۲.